

بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در بین زنان روستایی استان کردستان

مسلم سواری

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

نویسنده مسئول: مسلم سواری

Savari@ramin.ac.ir

چکیده

امروزه همه صاحب‌نظران بر اهمیت این مسئله واقف هستند که توسعه روستایی یکی از اولویت‌های مهم برنامه کلان توسعه به ویژه در کشورهای در حال توسعه است اما جهت نیل به آن تکیه بر یک استراتژی ساده کافی نیست در این میان توسعه کارآفرینی در اشکال و زمینه‌های مختلف در مناطق روستایی بر محوریت انسان به عنوان منبع اصلی توسعه دلالت دارد در این راستا این پژوهش با هدف کلی بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در بین زنان روستایی استان کردستان انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اعضای تعاونی‌های صنایع دستی در استان کردستان بود ($N=140$). در این تحقیق به شیوه سرشماری برای تمامی اعضا پرسشنامه ارسال گردید که در نهایت ۱۲۹ پرسشنامه توسط آنان تکمیل و عودت داده شد. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی آن توسط پانل متخصصان و پایایی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ تایید شد ($\alpha > 0.7$). تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSSwin18 انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که اعضای تعاونی‌های صنایع دستی اطلاعات مناسبی نسبت به کارکردهای بخش تعاون ندارند. علاوه بر این، نتایج اولویت‌بندی مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در تعاونی‌های صنایع دستی نشان داد که عوامل «محیط سیاسی حمایت کننده» و «تأخیر در زمان بازپرداخت وام‌ها» بیشترین تأثیر را دارد. همچنین، نتایج تحلیل عاملی عوامل تأثیرگذار بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی را در عامل‌های مهارتی-ارتباطی، عوامل حمایتی و نوآوری طبقه‌بندی کرد.

واژه‌های کلیدی: تعاونی، کسب و کار غیرزراعی، توسعه روستایی، زنان روستایی، تعاونی صنایع دستی.

تحقق اهداف اقتصادی- اجتماعی برنامه‌ریزی شده در هر کشور مستلزم به دست آوردن تصویری دقیق از وضعیت اقتصادی، اجتماعی افراد آن کشور است (Ghorbani et al., 2008). حساسیت‌های ملی یکی از ابزارهای اقتصادی است که منعکس کننده تصویری جامع از فعالیت‌های اقتصادی افراد است و این حساسیت‌ها در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های اساسی روبه‌رو بوده و اغلب فعالیت‌های افراد نادیده گرفته می‌شوند (Ruger et al., 2008). نمونه بارز آن در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود و زنان روستایی، علی‌رغم آن که مولد ۸۰ درصد از مواد غذایی بوده و سرپرستی حدود ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی را برعهده دارند، ولی فعالیت آنان به عنوان فعالیت‌های اقتصادی به شمار نمی‌آید و به سادگی از برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی حذف می‌شود (Savari et al., 2017). پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که زنان در تولید، فرآوری و مصرف مواد غذایی به روش‌های گوناگون مشارکت دارند و انعکاس فعالیت آنان در رابطه با تولید روزافزون است. با وجود این فعالیت‌ها، توانمندی آنان در دستیابی به توسعه کشاورزی در جهان به مقدار کمتری ارزش‌گذاری شده است (Alihahi et al., 2007). زنان را می‌توان از جمله گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار در زندگی روستایی به‌شمار آورد. وضعیت زنان به گونه‌ای است که کارهای خانه‌داری و کارهای تولیدی را با هم انجام می‌دهند. زنان روستایی در عین حال که خانه‌دار هستند و در نگهداری و تربیت اطفال وظیفه مهمی برعهده دارند، در امور زراعی، پرورش دام و طیور، صنایع دستی و گاه در فروش محصول و خرید مایحتاج خانواده نیز فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند (Sabokbar Faraji et al., 2009). براساس تحقیقات بعمل آمده حدود ۴۰ درصد از تولید محصولات کشاورزی را زنان برعهده دارند و لذا توجه به زنان روستایی، توجه به ارتقاء و بهره‌وری است ولی متأسفانه در اکثر کشورهای در حال توسعه به فراموشی سپرده شده است. در هر حال تلاش جهت توانمندسازی زنان به عنوان یکی از عناصر مهم در توسعه (از تمام جوانب) ضروری به نظر می‌رسد در واقع قدرت سازندگی و خلاقیت در این افراد باید از طریق بهبود توانمندی‌های آنها به گونه‌ای افزایش یابد که خود در جریان این فرآیند به عاملانی اثربخش‌تر برای ایجاد تغییر و دگرگونی مبدل شوند (Pishvaie et al., 2001). سهم زنان در تولیدات کشاورزی در کشورهای مختلف، متفاوت است. اما در بسیاری از کشورها کمک‌های زنان بسیار زیاد می‌باشد. مشارکت زنان در بخش کشاورزی به‌ویژه در مناطقی که مردان به علت خشکسالی به شهرها مهاجرت می‌کنند بیشتر قابل توجه می‌باشد و آنان در بعضی از کشورها وظایف سخت و تکراری در تمام طول سال را انجام می‌دهند (دوپلر، ۲۰۰۲). بنابراین، زنان روستایی نقش کلیدی، به خصوص در مواقع بحرانی و در تضمین سلامت و کشاورزی ایفا می‌کنند، لیکن با وجود نقش و سهم مهم، این قشر غالباً در راهبردهای توسعه مورد کم‌توجهی یا بی‌توجهی قرار می‌گیرند (Omonona et al., 2007). این در حالی است در سراسر جهان زنان به عنوان رکن اساسی واحدهای تولیدی، همواره مطرح بوده‌اند و ساختار اقتصادی خانواده بدون حضور آنها،

پایداری نخواهد داشت (Coleman, 2009). با توجه به این که زنان نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند و در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی در سطح تحصیلات و اشتغال زنان در جامعه ایران به وجود آمده است، لذا توجه به فعالیت کارآفرینانه در این قشر از جامعه می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک شایانی کند که اثرات اقتصادی کارآفرینی زنان در جوامع مختلف مؤید این گفته است (Arasti, 2006). لذا، هر محیطی که افرادش برخوردار از تفکر و هنر کارآفرینی باشند، اقتصادی پویا و متنوع خواهد داشت (Kazemi & Maharati, 2008). اما تعاونی‌ها به دلیل برخورداری از خصوصیات و مشخصات یک واحد تجاری، دارای ارزش‌های مکتبی و اجتماعی هستند و می‌توانند مبین تلاش‌های دسته جمعی و گروهی اعضای تشکیل دهنده تعاونی برای نیل به اهداف مشترک و پیشرفت و توسعه باشند (Jazani, 2006). در ایران نیز به علت شرایط خاص بحرانی و مشکلاتی که در حال حاضر وجود دارد لزوم همکاری و مشارکت مردم و خودیاری تمامی افراد جامعه در اموری که مربوط به خود آن‌ها می‌باشد می‌تواند راه‌حل و چاره‌ساز بسیاری از مشکلات و موانع باشد (Karimi, 2006). بنابراین، شرکت‌های تعاونی می‌توانند مردم را در برابر سختی‌ها، در صحنه نگه دارد و اراده آنان را در اموری که مربوط به آن‌هاست، عینیت بخشد. در واقع شرکت‌های تعاونی، سازمان‌هایی خصوصی با منافع مشترک هستند که به وسیله اعضای تعاونی اداره می‌شوند (Naes, 2009). علی‌رغم این که تعاونی‌ها نقش مهمی در زمینه توسعه اقتصادی دارند؛ اما هنوز این تعاونی‌ها به شیوه سنتی مدیریت شده و در این زمینه هیچ‌گونه کارآفرینی اعمال نمی‌شود (Mansouri, 2009; Simpson, 2010).

مبانی نظری

یکی از راه‌های توانمندسازی زنان روستایی در این زمینه ایجاد اشتغال‌های کوچک و فعالیت‌های غیرزراعی است؛ این فعالیت‌ها نه تنها باعث افزایش تولیدات ملی و اشتغالزایی می‌شود، بلکه به استقلال اقتصادی و توسعه توانایی‌های اجتماعی و شخصیتی زنان روستایی منجر می‌گردد (Sathhiabama, 2010). براساس یافته‌های پژوهشی، مشخص شد که فعالیت‌های غیرزراعی روستایی، ۴۲ درصد از درآمد خانوارهای روستایی در آفریقا، ۴۰ درصد در آمریکای لاتین و ۳۲ درصد در آسیا را تشکیل می‌دهند (Reardon, 2000). براساس آخرین آمار دیده‌بان جهانی کارآفرینی درباره وضعیت کارآفرینی زنان از بین ۴/۲ میلیارد در جهان، مردان دو برابر زنان در فعالیت‌های کارآفرینانه شرکت کرده‌اند (Mazlumi-Rezvani, 2013). این وضعیت در ایران نیز چندان مطلوب نیست و زنان فرصت شغلی مناسبی در اختیار ندارند (Movahedi, et al., 2016). محققان معتقدند رشد کارآفرینی موجب دسترسی بیشتر زنان به منابع لازم برای کارآفرین شدن می‌شود (Salazehi et al., 2015). زن کارآفرین را چنین تعریف می‌کنند. کسی که به تنهایی یا با مشارکت دیگران کاری را با خلاقیت و نوآوری به راه انداخته یا پذیرفته و با پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و اداری و مالی و ریسک‌های مالی، فرآورده‌های تازه‌ای عرضه کرده تا در بازار خرید و فروش بر رقیبان چیره شود

(Golrad, 2008). بنابراین، توسعه فعالیت‌های اقتصاد کارآفرینی روستایی به دلیل اهمیت روز افزون آن به عنوان منبع درآمد و اشتغال مناسب زنان روستایی در سراسر جهان در حال توسعه است (Haggblade et al., 2010). گسترش متوازن فعالیت‌های غیرزراعی روستایی از یک سو می‌تواند افزایش تولیدات روستایی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش بهره‌وری نیروی کار اضافی، تأمین نیازهای اساسی، ایجاد پیوند مناسب با بخش کشاورزی نقش بسیار مهمی در توسعه روستایی ایفا نماید (Radpear, 2008). از سوی دیگر فعالیت‌های غیرزراعی مانند صنایع دستی به عنوان یک منبع درآمد مناسب، یکی از زمینه‌های اقتصادی درآمدزا در مناطق روستایی است که مکمل بخش کشاورزی بوده و خانوارهای روستایی می‌توانند به آن متکی بوده و بر مشکلات مربوط به اشتغال زراعی مانند بیکاری فصلی فائق آیند (NAPC, 2008). صنایع دستی با استفاده از منابع محلی، کاهش وابستگی روستاییان به شهرها را در پی دارد و می‌تواند اختلاف سطح زندگی در نواحی شهر و روستا را کاهش دهد (Walkers, 2007). در راستای این مهم تعدادی از محققین زاوایای مختلف این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند که از مهمترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

ایتوها و همکاران به پژوهشی در زمینه دیدگاه زنان روستایی در فعالیت‌های غیرزراعی از طریق مقایسه‌ای بین اعضای عضو و غیرعضو در سازمان‌های اعتبارات خرد در بنگلادش پرداخته و به این نتیجه رسیدند که زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد نگرش مساعدتری نسبت به اشتغال در بخش فعالیت‌های غیرزراعی و کارآفرینی دارند (Itohara et al., 2008). تیاگو و همکاران در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که حمایت‌های دولتی در زمینه فعالیت‌های غیرزراعی می‌تواند به عنوان عامل تسهیل کننده توسعه فعالیت‌های کشاورزی در تعاونی‌های روستایی عمل نماید (Tiago et al., 2008). آهیراو و همکاران در پژوهش خود به بررسی ععل عدم مشارکت و موانع حضور زنان در فعالیت‌های غیرزراعی و کسب و کار در منطقه جالنا پرداخته و به این نتیجه رسیدند که مهمترین موانع در این زمینه، تعداد فرزندان زیاد، تعصب در برابر حضور زنان در جامعه روستایی، فقدان روحیه خطر پذیری و عدم دریافت آموزش‌های مناسب در این زمینه می‌باشد (Ahirrao et al., 2010). فردوشی و همکاران در بنگلادش نیز به بررسی عدم مشارکت و موانع حضور زنان روستایی در فعالیت‌های کارآفرینی به این نتیجه رسیدند که مهمترین موانع گسترش این فعالیت‌ها پایین بودن درآمد این فعالیت‌ها و عدم حمایت‌های دولتی است (Ferdoushi et al., 2011). شاطریان و همکاران در بررسی موانع کارآفرینی زنان روستایی به یافته رسیدند که مهمترین موانع در این زمینه عوامل محیطی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی-اجتماعی بوده است (Shaterian et al., 2017). گولراد در تحقیقی با هدف بررسی راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان ایرانی به این نتیجه دست یافتند ضروری است که شرایط لازم برای توسعه کسب و کارهای زنان کارآفرین فراهم شود تا زنان با ایجاد کسب و کار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل بیکاری جامعه را پایان بخشند (Golrad, 2006). یعقوبی

فراهانی و همکاران در تحقیقی با هدف بررسی عوامل آموزشی- نهادی مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی دریافتند توسعه کسب و کارهای کوچک زنان روستایی در ایران بی‌تردید میزان بیکاری را کاهش می‌دهد و از هزینه‌های دولت برای ایجاد شغل می‌کاهد (Yaghoubi-Farahani et al., 2014). موحدی و همکاران در پژوهشی در زمینه عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی به این نتیجه دست یافتند که سه عامل آموزش تخصصی کارآفرینی، استفاده از اطلاعات کارآفرینان موفق و استفاده از رسانه‌ها و اینترنت دسته‌بندی شدند (Movahedi, et al., 2016). در این راستا این پژوهش با هدف کلی عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در بین زنان روستایی انجام شد جهت نیل به آن اهداف اختصاصی زیر دنبال شد.

- بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای اعضای تعاونی‌های مطالعه شده

- بررسی میزان آگاهی اعضای تعاونی از کارکردهای بخش تعاون

- عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در میان زنان عضو تعاونی‌های صنایع دستی

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات کمی، با توجه به هدف کاربردی، از لحاظ گردآوری داده‌ها جزء تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه‌ی زنان روستایی عضو تعاونی صنایع دستی در استان کردستان (شهرستان‌های سقز، قروه، بیجار، میوان، سنندج) بود ($N=140$). در این تحقیق به شیوه سرشماری تمامی اعضا برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه‌ای محقق ساخت و پیش‌آزمون شده در میان جامعه آماری بود. پرسشنامه مذکور شامل سه بخش بود، بخش اول، مربوط به ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی، بخش دوم پرسشنامه شامل: ۹ گویه جهت سنجش آشنایی اعضای تعاونی با کارکردهای بخش تعاون و بخش سوم پرسشنامه شامل: ۲۲ گویه برای بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در میان زنان عضو تعاونی‌های صنایع دستی بود. جهت تعیین روایی پرسشنامه از پانل متخصصان که شامل متخصصان رشته‌های ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان بودند، استفاده شد و براساس نظرات و پیشنهادهای آنان اصلاحات لازم در پرسشنامه به عمل آمد. به‌منظور برآورد پایایی پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که برای قسمت آشنایی ۰/۸۴، برای قسمت عوامل مؤثر بر بهبود کسب و کار غیرزراعی در تعاونی ۰/۷۶ به دست آمد. با توجه به این‌که ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر یک از قسمت‌های پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ است، بنابراین، پرسشنامه از پایایی خوبی برای انجام تحقیق برخوردار بود. به منظور طبقه‌بندی اعضای تعاونی‌های روستایی براساس میزان آشنایی

آنان با کارکردهای بخش تعاون از تفاوت انحراف معیار از میانگین یا معیار (ISDM¹) به صورت زیر استفاده شد (Gangadharappa et al., 2007):

$$\text{کم: } A < \text{Mean} - \frac{1}{2} \text{Sd}$$

$$\text{متوسط: } \text{Mean} - \frac{1}{2} \text{Sd} < B < \text{Mean} + \frac{1}{2} \text{Sd}$$

$$\text{زیاد: } C > \text{Mean} + \frac{1}{2} \text{Sd}$$

لازم به ذکر است که در فرمول بالا، Mean میانگین و Sd انحراف معیار از میانگین می‌باشد. به منظور تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده شد. بدین منظور در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از تحلیل عاملی استفاده شد.

یافته‌ها

- بررسی ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای اعضا تعاونی‌های مورد مطالعه

نتایج ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای افراد مورد مطالعه نشان داد، میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۳۰/۲۵ سال با انحراف معیار ۲/۲۵ بود. همچنین از لحاظ سطح تحصیلات اعضا، یافته‌ها نشان داد که ۳۸ نفر بی‌سواد، ۴۴ نفر با بیشترین فراوانی ابتدایی، ۲۵ نفر راهنمایی، ۱۵ نفر دیپلم و ۷ نفر را نیز کمترین فراوانی دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. در بررسی سابقه‌ی کار اعضا در تعاونی، نتایج نشان داد که میانگین سابقه عضویت افراد در تعاونی ۶/۲۵ سال بود. سایر ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای اعضای مورد مطالعه در جداول زیر آورده شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه بر حسب میزان رضایت از درآمد تعاونی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. همانگونه که از نتایج جدول پیداست بیشترین فراوانی (۳۰/۲۳ درصد) مربوط به افرادی است که میزان رضایت از درآمد تعاونی را در سطح کم عنوان نموده‌اند همچنین براساس نتایج جدول ۱ می‌توان گفت، افراد مورد مطالعه از رضایت مساعدی نسبت به درآمد تعاونی برخوردار نیستند چرا که بیش از نیمی از افراد (۵۷/۳۶ درصد) اذعان داشته‌اند از درآمد تعاونی رضایت کم و خیلی کمی دارند.

1- Interval of Standard Deviation from the Mean

جدول ۱- توزیع فراوانی رضایت اعضا از درآمد تعاونی

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد	نما
رضایت از درآمد تعاونی	خیلی کم	۳۵	۲۷/۱۳	
	کم	۳۹	۳۰/۲۳	
	متوسط	۳۸	۲۹/۴۵	
	زیاد	۱۱	۸/۵۲	
	خیلی زیاد	۶	۴/۶۷	

توزیع فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه براساس نیاز به اطلاعات در زمینه فعالیت‌های غیرزرعی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. براساس اطلاعات مندرج در جدول ۲ بیشترین فراوانی (۳۴/۸۸ درصد) مربوط افرادی که است نیاز آموزشی خود را در این زمینه در سطح بالایی عنوان نموده‌اند. سایر نتایج تفصیلی این بخش در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۲- نیاز به اطلاعات در زمینه فعالیت تعاونی‌های صنایع دستی

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد	نما
نیاز به اطلاعات	خیلی کم	۷	۵/۴۲	
	کم	۱۴	۱۰/۸۵	
	متوسط	۳۷	۲۸/۶۸	*
	زیاد	۴۵	۳۴/۸۸	
	خیلی زیاد	۲۶	۲۰/۴۴	

- بررسی میزان اطلاعات اعضای تعاونی‌های صنایع دستی نسبت به کارکردهای بخش تعاون

به‌منظور اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به اولویت‌بندی اطلاعات اعضای تعاونی نسبت به کارکردهای بخش تعاون از آماره ضریب تغییرات استفاده شد. نتایج این بخش در جدول ۳ ارائه شده است. براساس نتایج این جدول مشاهده می‌شود که اعضای تعاونی‌های مورد مطالعه نسبت به موارد «چگونگی شکلگیری تعاونی‌های صنایع دستی» و «ضوابط استقرار و تشکیل تعاونی‌های صنایع دستی» از آشنایی و آگاهی بالاتری نسبت به سایر موارد برخوردارند.

جدول ۳- اولویت‌بندی اطلاعات اعضای تعاونی نسبت به کارکردهای بخش تعاون

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۱۵/۰	۰/۵۵۳	۳/۶۸	- چگونگی شکل‌گیری تعاونی‌های صنایع دستی
۲	۱۵/۶	۰/۵۸۳	۳/۷۲	- ضوابط استقرار و تشکیل تعاونی‌های صنایع دستی
۳	۱۶/۳	۰/۶۳۱	۳/۸۶	- تفاوت شرکت تعاونی با شرکت خصوصی
۴	۱۷/۱	۰/۶۲۹	۳/۶۷	- زمینه‌های فعالیت در قالب تعاونی
۴	۱۷/۱	۰/۶۹۱	۴/۰۲	- تاریخچه شرکت‌های تعاونی صنایع دستی
۵	۱۷/۳	۰/۶۷۴	۳/۸۷	- انواع تعاونی‌ها و تفاوت آن‌ها با یکدیگر
۶	۱۷/۷	۰/۶۸۷	۳/۸۷	- مزایا و تمهیدات فعالیت در قالب بخش تعاون
۷	۱۸/۴	۰/۶۸۵	۳/۷۰	- سیاست‌های حمایتی دولت از تعاونی‌های صنایع دستی
۸	۱۸/۴	۰/۷۲۵	۳/۹۳	- قانون تعاون
۹	۱۸/۶	۰/۶۵۲	۳/۵۰	- مزایای تعاونی‌های صنایع دستی
۱۰	۱۸/۶	۰/۷۷۵	۴/۱۵	- اهداف و کارکردهای بخش تعاونی کشور

* مقیاس ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد، ۵- خیلی زیاد

به‌منظور گروه‌بندی اطلاعات اعضای تعاونی نسبت به کارکردهای بخش تعاون همان‌طور که در روش تحقیق بیان شد از شاخص ISDM استفاده شد نتایج این بخش در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- گروه‌بندی اطلاعات اعضای تعاونی نسبت به کارکردهای بخش تعاون

سطوح آشنایی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
- مساعد	۳۷	۲۸/۶۸	۲۸/۶۸
- خنثی	۶۲	۴۸/۰۶	۷۸/۱۱
- نامساعد	۳۰	۲۳/۲۶	۱۰۰
میانگین: ۵۱/۶۳	حداقل: ۲۱	حداکثر: ۹۲	انحراف معیار: ۹/۷۹

براساس یافته‌های ارائه شده در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود که فقط ۳۷ نفر (۲۸/۶۸ درصد) از اعضای تعاونی‌های مورد مطالعه اطلاعات بالایی نسبت به کارکردهای بخش تعاونی دارند در حالی که ۶۲ نفر از اعضای تعاونی آگاهی متوسط و ۳۰ نفر نیز اطلاعات پایینی نسبت به کارکردهای بخش تعاونی دارند براین اساس می‌توان گفت که اکثر اعضای تعاونی‌های مورد مطالعه اطلاعات مناسبی با کارکردهای بخش تعاون ندارند چرا که میزان اطلاعات ۹۲ نفر (۷۸/۱۱ درصد) از اعضای تعاونی کم و پایین است.

عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در میان زنان عضو تعاونی

به منظور اولویت‌بندی مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در میان زنان عضو تعاونی‌های صنایع دستی از ضریب تغییرات استفاده شد. نتایج این قسمت در جدول شماره ۵ آورده شده است براساس نتایج ارائه شده در جدول ذیل می‌توان گفت از دیدگاه اعضا مهمترین عوامل تاثیرگذار بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در تعاونی‌های مطالعه شده را موارد «محیط

سیاسی حمایت کننده» و «تاخیر در زمان بازپرداخت وامها» می‌دانند این در حالی است که عوامل «برگزاری جلسات با هیئت مدیره» و «مکان استقرار مناسب» نسبت به سایر موارد اهمیت کمتری در بهبود کسب و کارهای غیرزراعی در تعاونی‌ها دارد.

جدول ۵- اولویت‌بندی عوامل موثر بر بهبود کسب و کارهای غیرزراعی در میان پاسخگویان

اولویت	CV	SD	Mean	گویه‌ها
۱	۱۷/۷	۰/۶۸۷	۳/۸۷	- محیط سیاسی حمایت کننده
۲	۱۸/۴	۰/۶۸۵	۳/۷۰	- تأخیر در زمان بازپرداخت وامها
۳	۱۸/۴	۰/۷۲۵	۳/۹۳	- معرفی کردن تعاونی‌های موفق
۴	۱۸/۴	۰/۶۸۵	۳/۷۰	- آموزش مهارت‌ها
۵	۱۸/۴	۰/۷۲۵	۳/۹۳	- همکاری بین اعضا
۶	۱۸/۶	۰/۶۵۲	۳/۵۰	- ارتباط با مراکز تحقیقاتی
۷	۱۸/۶	۰/۷۷۵	۴/۱۵	- داوطلبانه بودن عضویت
۸	۱۹/۴	۰/۷۳۵	۳/۷۷	- وجود مقررات مکتوب
۹	۲۰/۴	۰/۸۱۸	۴/۰۰	- رضایت اعضا تعاونی از کالای تولیدی
۱۰	۲۰/۸	۰/۷۴۶	۳/۵۸	- ریسک پذیری
۱۱	۲۱/۰	۰/۷۸۹	۳/۷۵	- پوشش‌های بیمه‌ای
۱۲	۲۷/۱	۰/۹۰۳	۳/۳۳	- روابط با موسسات مالی
۱۳	۲۸/۴	۰/۹۲۴	۳/۲۵	- ارتباط با جوامع محلی
۱۴	۲۸/۷	۰/۸۸۱	۳/۰۶	- تشویق و اعطای پاداش به اعضای کارآفرین
۱۵	۲۹/۱	۰/۹۲۸	۳/۱۸	- حمایت‌های دولتی
۱۶	۲۹/۱	۰/۸۸۳	۳/۰۳	- کنترل دقیق امور
۱۷	۲۹/۴	۰/۹۳۱	۳/۱۶	- تعامل با اداره تعاون
۱۸	۲۹/۷	۰/۹۲۸	۳/۱۲	- مدیریت روابط انسانی
۱۹	۳۰/۳	۰/۹۸۳	۳/۲۴	- خلاقیت و نوآوری بین اعضا
۲۰	۳۰/۳	۰/۹۵۶	۳/۱۵	- وجود مدیران نوآور
۲۱	۳۲/۱	۰/۹۸۸	۳/۰۷	- مکان استقرار مناسب
۲۲	۳۵/۴	۱/۰۹۶	۳/۰۷	- برگزاری جلسات با هیئت مدیره

* مقیاس ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد، ۵- خیلی زیاد

- تحلیل عاملی عوامل مرتبط با توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در تعاونی‌های صنایع دستی: جهت تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از ضریب **KMO** و آزمون بارتلت استفاده شده است. مقدار **KMO** برابر ۰/۸۵۶ و مقدار آزمون بارتلت برابر ۳۶۱/۶۹۰ ($p = 0.000$) بدست آمده که نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. در این بین، سه عامل با مقادیر ویژه بالاتر از ۱ استخراج گردید. این سه عامل روی هم‌رفته ۵۰/۹۶ درصد از کل واریانس را تبیین نموده‌اند. ۴۹/۰۴ درصد واریانس باقی‌مانده مربوط به عواملی بوده که در تحلیل شناسایی وارد نشده است. با توجه به مقدار ویژه در جدول ۶ عامل اول بیش‌ترین سهم با مقدار ویژه (۳/۵۸) بیشترین سهم را در تبیین واریانس کل عامل‌ها دارد.

جدول ۶- تعداد عامل‌های استخراجی و سهم آنها از تبیین واریانس کل

شماره عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۳/۵۸	۱۹/۳۶	۱۹/۳۶
۲	۲/۸۷	۱۶/۲۵	۳۵/۶۱
۳	۲/۲۸	۱۵/۳۵	۵۰/۹۶

به‌منظور استخراج عامل‌ها به صورت روشن‌تر از چرخش عاملی واریماکس استفاده شده است. بار عاملی هر متغیر پس از چرخش عاملی در جدول ۷ آمده است. پس از بررسی گویه‌های (متغیرها) مربوط به هر عامل و بار عاملی آن‌ها، عوامل به این ترتیب نام‌گذاری شده است: عوامل مهارتی-ارتباطی، عوامل حمایتی و نوآوری.

جدول ۷- تحلیل عوامل مرتبط با توسعه کسب و کارهای غیرزراعی

عامل	گویه‌های هر عامل	بارعاملی
* عامل مهارتی-ارتباطی	- آموزش مهارت‌ها	۰/۶۹۷
	- رابطه با موسسات مالی	۰/۶۵۲
	- ارتباط با مراکز تحقیقاتی	۰/۵۸۷
	- ارتباط با جوامع محلی	۰/۶۳۲
	- تعامل با اداره تعاون	۰/۵۵۳
* عامل حمایتی	- محیط سیاسی و حمایت‌کننده	۰/۸۵۴
	- حمایت‌های دولتی	۰/۷۵۶
	- پوشش بیمه‌ای	۰/۴۶۸
	- تاخیر در زمان بازپرداخت وام‌ها	۰/۶۷۱
* عامل نوآوری	- خلاقیت و نوآوری در بین اعضا	۰/۶۵۲
	- ریسک‌پذیری	۰/۷۱۱
	- تشویق و اعطای پاداش به اعضای کارآفرین	۰/۵۴۲
	- وجود مدیران نوآور	۰/۶۸۴

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کسب و کارهای غیرزراعی از نظر ایجاد شغل، توسعه نوآوری و بهره‌برداری از فرصت‌های جدید، نقش مهمی در موفقیت اقتصاد کشور دارد. مشاغل غیرزراعی زمینه ایجاد اشتغال و ماندگاری را در جامعه روستایی فراهم ساخته و نوعی امید و هدف را به جامعه ارزانی می‌دارد. این مسئله با استقبال متخصصان توسعه روستایی روبه‌رو بوده است. به گونه‌ای که از آن به عنوان مهمترین راهکار توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم در نظر می‌گیرند. به این دلیل توسعه کسب و کارهای غیرزراعی منجر به رفع کاستی‌ها و تأمین نیازهای محلی اقتصاد گردیده و راه را برای توسعه پایدار اقتصادی هموار می‌نماید. در این راستا این پژوهش با هدف کلی عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در میان زنان عضو تعاونی‌های صنایع دستی در استان کردستان انجام گرفت. نتایج

تحقیق نشان داد افراد مورد مطالعه رضایت بالایی از درآمد بخش تعاونی ندارند به این دلیل که بیش از نیمی از افراد اذعان داشته‌اند از درآمد تعاونی رضایت کم و خیلی کمی دارند همچنین نتایج نیاز به اطلاعات در زمینه فعالیت تعاونی‌های صنایع دستی نشان داد افراد نیاز آموزشی خود را در این زمینه در سطح بالایی عنوان نموده‌اند و اطلاعات اعضای تعاونی نسبت به کارکردهای بخش تعاون بیشتر در زمینه‌های «چگونگی شکل‌گیری تعاونی‌های صنایع دستی» و «ضوابط استقرار و تشکیل تعاونی‌های صنایع دستی» بود و میزان اطلاعات اعضاء به کارکردهای بخش تعاونی در سطح خیلی کم و کم بود. علاوه بر این، نتایج اولویت‌بندی مهمترین عوامل، موثر بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در تعاونی‌های صنایع دستی نشان داد که عوامل «محیط سیاسی حمایت کننده» و «تأخیر در زمان بازپرداخت وام‌ها» بیشترین تاثیر را دارد. همچنین نتایج تحلیل عاملی عوامل تأثیرگذار بر توسعه کسب و کارهای غیرزراعی را در عامل‌های مهارتی- ارتباطی، عوامل حمایتی و نوآوری خلاصه کرد نتایج این بخش با یافته‌های (Ferdoushi et al., 2011; Ahirrao et al., 2010; Tiago et al., 2008) موحدی و سلیمانیان بروجنی، ۱۳۹۵ و شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶) مطابقت دارد. در این راستا جهت توسعه کسب و کارهای غیرزراعی در تعاونی‌های صنایع دستی براساس نتایج تحقیق پیشنهادهایی به صورت زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- با توجه به اینکه اعضای تعاونی نیاز آموزشی خود را در سطح بالایی عنوان کرده‌اند بنابراین، پیشنهاد می‌شود که تشکیل دوره‌های آموزشی مستمر، برگزاری دوره‌های تخصصی و در نهایت آگاه‌سازی اعضاء و مدیران شرکت‌های تعاونی نسبت به اهمیت مقوله‌هایی نظیر روحیه کار جمعی و انگیزه کار گروهی در پیشرفت تعالی تعاونی مدنظر قرار بگیرد.
- ۲- با توجه به این که یکی از راهکارهای مهم توسعه کسب و کار غیرزراعی عامل مهارتی ارتباطی می‌باشد پیشنهاد می‌شود برنامه حمایتی برای تقویت همکاری بین کسب و کارهای کوچک و متوسط و مراکز تحقیقاتی شود.
- ۳- ارائه آموزش‌های کارآفرینی در قالب بسته آموزشی (برنامه ظرفیت‌سازی)
- ۴- شناسایی فرصت‌های پایدار کارآفرینی در بخش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی و انجام خدمات حمایتی در این مورد.
- ۵- انتشار اطلاعات صنعتی و بازاریابی برای کارآفرینان روستایی از طریق ارتقای نقش سازمان‌های کسب و کار خصوصی در هر دو ناحیه روستایی و شهری.

References

- Ahirrao, J. & M.Sadavarte, N. (2010). Social & financial constraints of Rural women entrepreneur: a case study of Jalna District in Maharashtra, International Referred Research journal, 3(26), 14-18.
- Alihahi, M., Bahrami, M., Mahneh, F. & Soltani, S. (2007). Rural women, food security and agricultural economy. Sixth Iranian Agriculture Economics Conference, Pp 13-26 (In Persian).
- Arasti, Z. (2007). Female Iranian entrepreneurs; socio-cultural structures contributing to job creation for women, journal of women research, 4(1), 93-120.

- Coleman-Jensen, A.J. (2009). Working for Peanuts: Food Insecurity among Nonstandard Workers' Households, *Journal of Family and Economic*, 12(1), 14-25.
- Doppler, W. (2002). *Farming and Rural Systems Approaches*. Published Lecture Material, Hohenheim, 12.
- Ferdoushi, A., Chmhuri, S., Nor,I. & Aini, H. (2011). Contribution of rural Women to Family Income through Participation in Microcredit: an Empirical Analysis, *American journal of Applied Sciences* 8 (3), 238-245.
- Gangadharappa, H. V., Pramod, K. T. M. & Shiva, K. H. G. (2007). Gastric floating drug delivery systems: a review. *Indian J. Pharm. Ed. Res*, 41(4), 295-305.
- Ghorbani, M. & Hossieni, H. (2008). The study of the theories, methods and experience of adjusting and adjusting the national accounts relative to the value of the work of housewives (domestic production). Research project of the Institute for Labor and Social Security and the Ministry of Social Affairs, 185.
- Golrad, P. (2006). Family and Strategies for Developing Iran's Women Entrepreneurship. *Women Studies*, 7(2), 131-149.
- Golrad, P. (2008). Productivity of Iran's Women Entrepreneurs. *Commercial Research Letter*, 46:179-209.
- Haggblade, S., Hazell, P. & Reardon, T. (2010). The Rural Non-farm Economy: Prospects for Growth and Poverty Reduction, *World Development*, 38(10), 1429-1441.
- Itohara, Y. & Hoque, M. (2008). Participation and decision Making Role of Rural Women in economic Activates: A Comparative study for Members and Non-members of the micro-Credit Organizations in Bangladesh, *Journal of Social Sciences* 4(3), 229-236.
- Jazani, N. (2006). Gender justice, women rights and capabilities, the first seminar on women entrepreneurship and challenges.
- Karimi, Z. (2006). Government supports role in job creation for women: casual study: women cooperatives in Mazandaran province.
- Kazemi, M. (2008). Assessing entrepreneurship by industrial managers, casual study: Khorasan Province, *Science and Development Magazine*.
- Mansouri, H. (2009). Investigating the Role of Entrepreneurship in Urban Management and Urban Development. Master's Thesis, International Institute for Cultural and Artistic Research of Society and Culture (In Persian).
- Movahedi, R. & Solaimanian Borojeni, J. (2017). Study of Effective Educational Methods in the Development of Women's Rural Entrepreneurship. *Journal of Entrepreneurship Strategies in Agriculture*. 6 (1), 23-24.
- Mazlumi-Rezvani, M. (2013). The Role of Family in Developing Iranian Women's Entrepreneurship. Available on line at:<http://digimaghale.ir/9682>, Access on: October,18,2016
- Naess, M. W. (2009), Pastoral risk management, The importance of cooperative production, *Philosophiae Doctor*, Tromsø, Norway; University of Tromsø.
- National Agricultural policy center (NAPC). (2008). *Non-Agricultural Activities in Rural Areas*, 124.
- Omonona, B. T. & Agoi, G. A. (2007). An Analysis of Food Security Situation among Nigerian Urban Households: Evidence from Lagos State. Nigeria. *Journal of Central European Agriculture*, 8(3), 397-406.
- Pishvaie, H. & Farvardin, H. (2001). Agriculture in Iran, crisis or food security. *Journal of Behengam*, 148 (1), 18.
- Radpear, G. (2008). *Rural Planning (New Approach)*. London: Blackwell, 121.
- Reardon, T. (2000). Effects of non-farm employment on rural income inequality in developing countries: An investment perspective, *Journal of Agricultural Economics*, Vol.51, No. 2, 266-288.
- Ruger, V. (2008). Value of Household production in fin land and Germany. Analysis and Recalculation of the Household satellite Account system in both countries, National consumer Research center, ISBN, 978-951-698, 1-175.

- Sabokbar Faraji, H., Khaki, A. & Nemati, M. (2009). Assessing the role of ICT in empowerment of rural women: A case study of the village of Qarne Abad. *Journal of the Geographical Society of Iran*. 7(22), 160-172.
- Salarzahi, H., Mirzadeh A. & Valinafas, A. (2016). Recognition and Development of Agricultural Entrepreneurship Opportunities in Rural Areas of Zarabad District. *Entrepreneurship and Management Studies*, 2(1-2)111-130.
- Sathiabama, K. (2010). Rural women Empowerment and entrepreneurship Development, eSS Student papers Sathiabama, Women Empowerment" April 2010. *Journal of Women Empowerment*, 1- 8.
- Savari, M., Shabanali Fami, H. & Sharifzadeh, Sh. (2017). Barriers to the development of rural women's employment in handicrafts in the city of Diwandarreh. *Quarterly journal of space economics and rural development*, 6(3), 17-36.
- Shaterian, M., Nasrabadi, Z. & Mansourian, F. 2017. Analysis of entrepreneurship barriers in rural women in Kashan. *Quarterly journal of space economics and rural development*, 6(3), Pp 181-196.
- Simpson, J. (2010). Rural women's entrepreneurship is good business Gender and rural employment policy brief, 1-4.
- Tiago, V., Cavalcanti, de V. & Tavares, J. (2008). Women prefer larger governments: growth, structural transformation and government size', Pp.1-27.
- Walkers, V. (2007). Policy Innovation for Rural Sustainable Development, New York: USA Rural Policy Research Institute, 14.
- Yaghoubi-Farani, A., Soleymani, A., Movahedi R. & F. Eskandari. (2013). Impacts of Educational Institutional Factors on Rural Women Entrepreneurship. *Entrepreneurship Development*, 1(2):115-134 (In Persian).

Investigating Factors Affecting the Development of Non-Farming Businesses among Rural Women in Kurdistan Province

Moslem Savari

1- Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Mollasani, Iran

Abstract

Today, all scholars are aware of the importance of the fact that rural development is one of the major priorities of the macro-development program, especially in developing countries, but to achieve this, reliance on a simple strategy is not enough, among which the development of entrepreneurship in Different forms and fields in the Vastyan region indicate the focus of humanity as the main source of development. The main Purpose of this study was to Factors affecting the development of non-Farming businesses among rural women. Statistical population of this study consisted of all Members of handicraft cooperatives in Kurdistan (N= 140). In this manner a census study was conducted. Study was conducted. Questionnaire was sent to all members at the end of 129 questionnaires were completed and returned. Analyzed in SPSS software. The instrument of the study was a questionnaire which its validity was confirmed by a panel of experts and its reliability was established by calculating Chronbach's Alpha Coefficient ($\alpha > 0.7$). Results showed Craft union members about the wasn't Understanding functioning of the cooperative sector are high. In addition to that the results of prioritizing the most important factors affecting non-Farming businesses improvement in handicraft cooperatives showed that factors Supportive policy environment and Delay in repayment of loans It has the greatest impact. Also, the results of factor analysis summarized the factors affecting non-Farming businesses in terms of skills-communication, supportive factors and innovation.

Key words: Cooperatives, Non-Farming Business, Rural Development, Rural Women, Handicrafts Cooperative.